

گفت وگویی اختصاصی «انتخاب» با ولفگانگ گرکه، عضو پارلمان آلمان و سخنگوی روابط بین المللی حزب چپ

حمله آمریکا به ایران یعنی جنگ جهانی سوم | دموکراسی آمریکایی چیزی جز دیکتاتوری نیست | هدف مذاکره اتحادیه اروپا با ایران، باج گیری است



خبرگزاری انتخاب : ● مجید روشن زاده: گرکه می گوید؛ چرا به اسرائیل و عربستان سعودی اسلحه داده می شود اما برعلیه ایران و به بهانه ساختن بمب اتم طرح های جنگی تدوین می شود؟ | اگر در این منطقه جنگی برعلیه ایران آغاز شود شاهد جنگ جهانی سوم خواهیم بود | سیاست فعلی دولت آلمان؛ در تعارض با نظرات مردم آلمان است | مردم آلمان خواستار فاصله گرفتن از سیاست های واشنگتن هستند

۱۲ شهریور ماه ۱۳۸۶ ساعت : ۲۲ ، ۰۱
خبرگزاری انتخاب :

خاورمیانه به دلیل ذخیره های فراوان منابع طبیعی اش همیشه مورد مذاقه و بررسی سیاست ورزان بیگانه اعم از اروپایی و آمریکایی بوده است. این منطقه سال های بسیاری روی آرامش به خود ندیده است، از ۱۹۵۶ که اسرائیل تجاوز خود را علیه سرزمین های فلسطینی آغاز کرد تا همینک که ماشین نظامی آمریکا و متحدین اش در خاورمیانه حضوری مستمر دارد، و همه گاه دلایلی را برای تداوم حضور خود در این منطقه ارائه می دهند. بحران های موجود در خاورمیانه از جمله مناقشه اسرائیل و فلسطین، واکنش ایران به کنش های غیر معمول غرب در خصوص انرژی هسته ای، لبنان و سوریه و... موضوعاتی هستند که هر روزه سیاستمداران غربی در حال کندوکاو و گمانه زنی درباره آن هستند. بد ندیدیم که در این رابطه با ولفگانگ گرکه "عضو پارلمان آلمان و سخنگوی روابط بین المللی حزب چپ آلمان" به گفت و گو بنشینیم تا نظرات وی و همچنین حزب منتسب به ایشان را از نزدیک بشنویم. حاصل این مصاحبه به شرح ذیل است :

* روشن زاده: آقای گرکه، سیاست خاورمیانه آلمان تحت رهبری خانم مرکل به سمت هماهنگی با واشنگتن تنظیم می شود. آیا با روی کار آمدن سارکوزی و براون در فرانسه و بریتانیا ، یعنی دوسیاست مداری که خواهان نزدیکی بیشتر به آمریکا هستند، می توان گفت سیاست مستقل اروپا بطور کامل به پایان رسیده است؟

* گرکه: دولت آلمان بیش از حد دنباله رو و مجری سیاست های آمریکا است. نگرانی من این است که این امر در مورد فرانسه و بریتانیا هم اتفاق افتد. سیاست فعلی خاورمیانه دولت ما در تقابل با نظر اکثریت مردم آلمان است و به سود منافع کشورمان نیست. مردم آلمان خواهان اتخاذ سیاست دیگری ، از جمله خروج سربازان آلمانی از افغانستان و فاصله گرفتن از سیاست های

واشنگتن در منطقه و حتا بستن پایگاههای نظامی آمریکا در آلمان و خروج سربازان آمریکایی هستند. از این رو، سیاست فعلی دولت ما مغایر با خواسته های اکثریت مردم است. سیاست های بوش در منطقه به بن بست رسیده و می توان گفت در برخورد با همه مسایل اساسی و بنیادین شکست خورده است. بدین جهت به اعتقاد من بی معنا ست که با یک رییس جمهور شکسته خورده سیاسی تالین اندازه رابطه تنگاتنگ و نزدیک برقرار کرد. دولت ما باید به یک سیاست اروپایی روی آورد و در این چارچوب فکر کند. از آمریکا خود را متمایز و سیاست خاورمیانه دیگری اتخاذ کند.

*** م-ر: اوضاع خاورمیانه چگونه ارزیابی می کنید؟ مناقشه اسرائیل و فلسطین، بحران عراق و موضوع انرژی هسته ی و خواست جمهوری اسلامی ایران**

* گرکه: در وهله نخست باید هر دو کشور و علی الخصوص اسرائیل قطعنامه شماره ۱۲۴۰ سازمان الملل و دیگر قطعنامه ها را پذیرفته و به مرحله اجرا گذارد. مطابق این قطعنامه مرزهای ۱۹۶۷ معتبر و بر اساس آن یک کشور واقعی تشکیل شود؛ و نه زاید ای از اسرائیل و آمریکا. مسئله مهم دیگر خاورمیانه موضوع عراق است. آمریکا از لحاظ نظامی در عراق شکست خورده و باید تدبیری برای خروج سربازان خود اتخاذ کند. باید در قبال سوریه سیاستی دیگر اتخاذ شود، زیرا بدون سوریه مسئله لبنان حل نخواهد شد. و دیگر آنکه باید در قبال ایران سیاست متفاوتی در پیش گرفته شود. این خواست کشورهای دیگر هم هست. من تازه از سفر هند آمده ام. در آنجا با دولت و پارلمان هند صحبت داشتم. در گفت و گوهای ما دولت هند بطور آشکار تاکید می کرد که هند حاضر نیست سیاست های شورای امنیت، آمریکا و اروپا را در قبال ایران بپذیرد. برای من مهم این است که با ایران یک گفت و گوی دوجانبه و برابر آغاز شود. ایران نقش بسیار مهم و محوری در مسئله افغانستان و دیگر موضوعات مهم منطقه ایفا می کند. از این رو باید با ایران گفت و گویی معقولانه برای حل مشکلات منطقه آغاز شود.

*** م-ر: فکر نمی کنید که اگر آمریکا عراق را ترک کند، عراق دچار هرج و مرج خواهد شد؟**

* گرکه: واقعیت این است که عراق در حال حاضر و با وجود نیروهای آمریکایی در هرج و مرج بسر می برد و خطر فروپاشی این کشور زیاد است. با این همه، منظور من این نیست که خروج از عراق بدون برنامه صورت گیرد. اما تا زمانی که آمریکا به مثابه یک قدرت اشغالگر در آنجا حضور دارد حملات نیروهای مخالف ادامه خواهد یافت.

*** م-ر: سیاست آمریکا در منطقه و یا حداقل سیاست رسمی واشنگتن حمایت از دموکراسی و جلوگیری از گسترش سلاح های هسته ای است.**

* گرکه: سیاست های آمریکا و حتی اروپا از منطقی دوگانه برخوردار است: مثلا از یک طرف همواره از دموکراسی و انتخابات آزاد صحبت می شود، اما وقتی که بطور مثال در فلسطین نتایج انتخابات بر وفق مراد آن ها پیش نمی رود و مردم گروهی را انتخاب می کنند که مورد مطلوب آن ها نیست، نتایج آن را به رسمیت نمی شناسند. مثال دیگر موضوع هند است. آمریکا از یک طرف با هند همکاری اتمی دارد و همانطور که همه می دانیم هند دارای سلاح هسته ای است، در صورتیکه در موقعیتی مشابه ایران متهم می شود که در صدد ساختن بمب اتم است. و بدین جهت حاضر به همکاری با ایران نیست.

من نمی دانم که این ادعا تاچه اندازه صحت دارد. آن چیزی که من می دانم سیاست های اتمی ایران در چارچوب قراردادهای بین المللی ست. اینکه اصولا من با این نوع فعالیت های هسته ای موافق و یا مخالفم؛ موضوع دیگری ست. اما در این ارتباط چیزی که واضح و روشن است این است که اسرائیل دارای بمب اتم است. به اسرائیل و عربستان سعودی اسلحه داده می شود اما بر علیه ایران و به بهانه ساختن بمب اتم طرح های جنگی تدوین می شود. بنابراین این استدلال ها غیر قابل قبول است و باورکردنی نیستند. اما موضوع دموکراسی: آمریکا برای ایجاد دموکراسی به عراق حمله کرد. اما امروز از دموکراسی در این کشور نمی توان سخن گفت. به نظر من تمام شعارها و وعده های آمریکا برای دموکراسی بیهوده است. در واقع برای آمریکا مسئله مهم افزایش نفوذ بر منطقه خاورمیانه و کنترل ذخایر طبیعی آن مانند نفت و گاز است. دموکراسی باید از درون یک ملت بیرون بیاید و رشد کند. جای تردیدی نیست که جنبش های دموکراسی باید مورد حمایت قرارگیرد. اما من خواهان دموکراسی نوع آمریکایی نیستم. چون در واقع این نوع دموکراسی چیزی جز دیکتاتوری نخواهد بود.

*** م-ر: حال که به مسئله اتمی رسیدیم، تمایل دارم بدانم، به نظر شما چرا مذاکرات آقایان لاریجانی و سولانا کند پیش می رود و تاکنون نتوانستند به نتیجه ی مطلوب برسند؟**

* گرکه: دلیل اصلی عدم وجود فضای گفت و گو است. تا زمانی که تحریم ها ادامه دارند و مدام هم تشدید می شوند، هدف این مذاکرات بیشتر باج گیری ست. البته این را هم بگویم که من مخالف افزایش قدرت های اتمی در سطح جهان هستم. خواسته من این است که کشورهای اتمی فعلی هم شروع به نابودی سلاح های خود کنند. در حقیقت و مطابق توافق های بین المللی، کشورهای آمریکا، فرانسه، بریتانیا و روسیه باید شروع به کاهش و نابودی سلاح های اتمی خود کنند، اما آنها نه تنها این کار

را نمی‌کنند، بلکه روز به روز مدرنتر هم می‌کنند. در کنار این‌ها ما شاهد بوجود آمدن کشورهای دیگری مثل کره شمالی، اسرائیل، پاکستان و غیره هستیم که اگرچه رسماً دست‌رسی به این سلاح را اعلام نکرده‌اند، اما همه می‌دانیم که دارای بمب اتم هستند. باوجود این وضعیت، به نظر من قرارداد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در آستانه بی‌اعتبار شدن و شکست خوردن است. بنابراین همه چیز وابسته به قدرت‌های بزرگ است. آنها باید برای جلوگیری از این روند، می‌بایست شروع به نابودی بمب‌های اتمی خود کنند.

*** مـر: شما همواره تاکید می‌کنید که با ایران باید گفت‌وگو شود. اما حتماً اطلاع دارید که این گفت‌وگو در حال حاضر میان ایران و آمریکا بر سر مسئله عراق جاری است**

* گرکه: ببینید، آمریکا؛ سوریه، کره شمالی و ایران را کشورهای یاغی معرفی می‌کند. این اساس سیاست خارجی آمریکاست. از یک طرف در شورای امنیت برای تشدید تحریم‌ها علیه ایران تلاش می‌شود؛ و از طرف دیگر گفته می‌شود که ما ایران را برای حل مسایل خاورمیانه مانند افغانستان احتیاج داریم و باید مذاکره کنیم. باید یک سیاست نامتناقض را در پیش گرفت. سیاست نامتناقض یعنی باید از تهدید مداوم ایران دست برداشت و امنیت کشور را تضمین کرد. پس از آن می‌توان یک گفت‌وگوی دوجانبه و اعتماد برانگیز را آغاز کرد. در غیر اینصورت همه‌ی اینها بی‌معناست. اگر به نقشه خاورمیانه نگاه کنیم بلافاصله متوجه می‌شویم که ایران در محاصره پایگاه‌های نظامی آمریکاست. بدین جهت خوب درک می‌کنم اگر باوجود این وضع ایران خود را در معرض تهدید حس کند. درک من این است که خانم کوندلیزا رایس گفت‌وگوها را انجام می‌دهد، اما خود را ملزم به برداشتن گام‌های عملی نمی‌داند. چنین درکی در کشورهای دیگر مثلاً فلسطین و اسرائیل هم هست. در اسرائیل چپ‌هایی هست که دیدگاه انتقادی نسبت به دولت خود دارند. خواست همه‌ی آنها در پیش گرفتن سیاست دیگری در قبال ایران است، یعنی سیاستی دوجانبه و برابر.

*** مـر: با وجود همه‌ی این‌ها، اگر اخباری را که از درون دولت آمریکا به بیرون درز کرده باور کنیم، به نظر می‌رسد که آمریکا و یا حداقل نیروی قوی در درون دولت بوش سرگرم تدارک جنگ علیه ایران است. به نظر شما تا چه اندازه این جنگ محتمل و در صورت وقوع عواقب آن برای منطقه چیست؟**

* گرکه: تمام خاورمیانه شبیه به یک بشکه باروت است. اگر در این منطقه ملت‌ها و انفجاری جنگی بر علیه ایران آغاز شود در پی آن تمام منطقه به آتش کشیده می‌شود. نگرانی من این است، اگر ما موفق به جلوگیری از آن نشویم، می‌توان گفت که ما شاهد جنگ جهانی سوم خواهیم شد. اگر جرقه‌ای در این بشکه باروت انداخته شود تمام منطقه تا آسیای مرکزی شعله‌ور خواهد شد. اما طرح‌هایی که تاکنون شناخته شده‌اند حاکی از آنند که آمریکا قصد حمله زمینی را ندارد، بلکه طرحی برای بمباران ایران تدوین شده است. این طرح هم صرفاً مختص آمریکا نیست، بلکه متاسفانه اسرائیل هم دارای چنین طرح و تفکری است. به اعتقاد من این نوع برنامه‌ها ناشی از محاسبات غلط است و هراسان عاقلی باید نسبت به عواقب آن هشدار دهد و برای جلوگیری از آن تلاش کند، زیرا قربانیان این حمله در وهله اول مردم ایران و کل منطقه است. اروپا باید تدبیری برای رفع این خطر بیاندیشد، زیرا ما همسایه خاورمیانه هستیم و ثبات آن خواست و علاقه ماست.

*** مـر: آخرین سوال من مربوط به سفر نمایندگان فراکسیون حزب شما به سرپرستی لافونتین، رییس حزب، به ایران است. تا آنجا که اطلاع دارم این سفر بارها و به دلایلی به تاخیر افتاد. آیا در نهایت این سفر انجام خواهد گرفت و یا کلاً منتفی شد؟**

* گرکه: نه منتفی نشد، بلکه به تاخیر افتاد. تمایل من این است که سفر آقای لافونتین و دیگر نمایندگان پارلمانی فراکسیون ما انجام گیرد. آقای لافونتین در حال حاضر به کوبا و دیگر کشورهای آمریکای لاتین سفر کرده است. امیدوارم که بعد از بازگشت زمان مناسبی که اوضاع سیاسی کمتر متشنج باشد برای سفر به ایران تعیین شود تا بتوانیم در آن جا گفت‌وگوهای سازنده‌ای داشته باشیم. این سفر و گفت‌وگوهای ما بی‌شک می‌تواند در افکار عمومی مردم و حتی سیاست دولت تأثیرگذار باشد.

آقای گرکه بخاطر این گفت‌وگو بسیار متشکرم

تهیه و تنظیم: مجید روشن زاده